

## پیدایش انحصارات سرمایه‌داری

### مقدمه

---

جریان رشد انحصارات و تمرکز سرمایه به هیچ روی به این معنی نیست که اقتصاد کشورهای پیشرفته، اقتصاد یکدست و بالکل از نوع سرمایه‌داری پیشرفته است، بلکه وجه غالب شکل اقتصاد جامعه سرمایه‌داری، انحصاری است. بقایای نظام‌های ماقبل سرمایه‌داری همچنان در این ممالک به چشم می‌خورد. نظام سرمایه‌داری غرب، ملل دیگر جهان را نیز به همراه خود وارد این مدار تولیدی می‌کند، اما هرگز نمی‌تواند آنها را از چنگال سوابق تولیدی شان برهاند. تنها موردی که این جوامع ناهمگون در آن مشترکند و رانی است که در آن با هم به سر می‌پرند. درک این موضوع ارزش فراوانی در درک سایر ویژگی‌های جامعه و کیفیت تحولات آن دارد. به همین جهت یکی از رسالت‌های جامعه‌شناسی پویا و شوین، درک کلیات چنین ویژگی‌هایی در کل نظام جهانی کشورهای پیشرفته و ملل در حال پیشرفت است. اهمیت اینگونه بررسی‌ها به دست دادن چارچوب علمی تحلیل واقعیت‌هایی است که اکثریت کشورهای جهان با آن روبرو هستند و حتی با چنین واقعیت‌ها زندگی می‌کنند.

در این مقاله سعی خواهیم کرد تا بر چارچوب جامعه‌شناختی

تحلیل واقعیت‌های مبتنی بر انحصارات سرمایه‌داری و نحوه پیدایش آن در طول تاریخ تأکیدکنیم و عواقب اقتصادی - اجتماعی آن را بر روی ملل مختلف جهان ، چه پیشرفته و چه در حال پیشرفت مسمورد بررسی قرار دهیم .

### صدور سرمایه

از دوران "رقابت‌های آزاد"<sup>۱</sup> استعمارگران راه‌های بهتر و سودمندتری را در مالک مستعمره و وابسته می‌جستند "از جمله" این راه‌ها "صدور سرمایه"<sup>۲</sup> در اثر پیشرفت سرمایه‌داری و افزایش سرمایه‌های بانکی و سودبخش سرمایه‌گذاریه‌های خارجی و راه‌های جدید بین‌المللی بود . پائین بودن سطح تقاضا برای نیروی کار که به نارسایی سرمایه‌های محلی و به سطح زندگی ناپایدار اکثریت مردم مربوط می‌شد ، از موجبات اصلی ارزان بودن نیروی کار در کشورهای در حال توسعه بود . از طرف دیگر صنعت در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری نیاز روزافزونی به مواد اولیه کشورهای عقب‌نگه‌داشته شده داشت . وجود نیروی کار ارزان ، شرایط طبیعی مساعد و قیمت نازل زمین ، موجب شد که در کشورهای اخیر مقادیر انبوهی از مواد اولیه با کمترین قیمت فراهم آید .

گسترش حمل و نقل ، مخصوصاً "پیدایش کشتی‌های عظیم اقیانوس‌پیما ، ارسال مواد اولیه و محصولات غذایی را با ظرفیت‌های زیاد و تعرفه‌های سودمند امکان پذیر می‌نمود . بنا در مجهز ، راه آهن و طرق ارتباطی دیگر و همچنین نفت‌کشها و گازرسانها ، صدور مواد اولیه را از کشورهای عقب مانده تسهیل کرد و لوازم یدکی کارخانه‌های غول پیکر نیوازمین طریق به مناطق استقرار آنها رسانده شد . مواد مذکور از عواملی بود که به ایجاد شرایط مساعد برای صدور سرمایه وسیعاً کمک کرد .

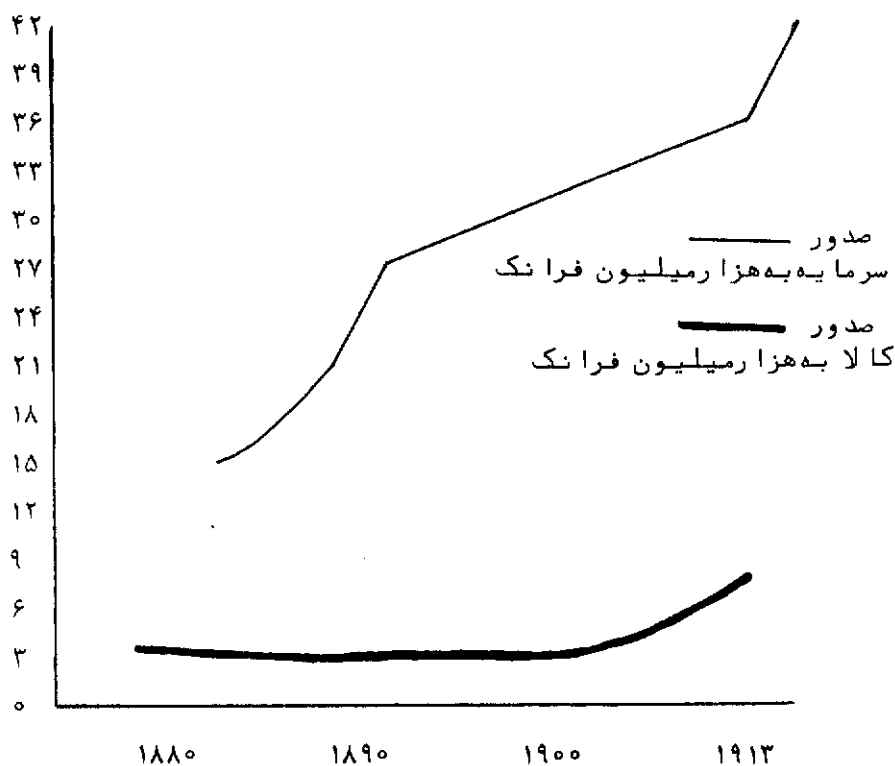
انگیزه اساسی صدور سرمایه به کارانداختن سرمایه سودآور در هر نقطه‌ای از سیاره زمین است که در دسترس قرار گیرد. سرمایه در محدوده‌های داخل کشور، بیش از حد نضج یافته و سا زوکار آن برای تحصیل سود و جلوگیری از بحران ورکودبه منطقه فراتر و بازاریهای جدید نیانداشت. با به کار افتادن این سرمایه‌ها در بخش‌های مختلف تولید داخلی، برای هماهنگی میان همه بخشها، به ویژه بخش رفاهی و بهداشتی کشور، از یک طرف، و توسعه و بسط کشتا و رزی از طرف دیگر، جایی برای صدور آن باقی نمی‌ماند. اما این سرمایه‌ها نه به دنبال محل سرمایه‌گذاری و خدمت بلکه در جستجوی "سود" و سلطه بر دیگران بود. دیاگرام شماره ۱ اهمیت صدور سرمایه را نسبت به صدور کالا پس از دهه ۸۰ قرن نوزدهم و گذار به مرحله امپریالیستی سرمایه‌داری در کشور فرانسه نشان می‌دهد.

لوکزامبورگ\* از صدور سرمایه به مثابه پایان حکومت کارتلها یاد می‌کند و اعتقاد دارد که تعادل سرمایه‌داری تا زمانی که مصرف‌کنندگان دیگر کالاها وجود دارند، حفظ می‌شود. به طور کلی امکان ادامه باز تولید سرمایه‌داری در نظام سرمایه‌داری وجود ندارد. بنا بر این با کشیده شدن جهان به سوی مناسبات سرمایه‌داری قلمرو مصرف، باز تولید گسترده‌تر از تولید قبلی است و بازار جدید را طلب می‌کند، از میان می‌رود و سرمایه‌داری به حالت بحرانی دچار می‌گردد که به منزله پایان دوران آن نیز می‌باشد.

لوکزامبورگ با این نظریه که باز تولید در دو بخش تولید کننده کالاهای مصرفی و وسایل تولید انجام گرفته و هر دو مورد استفاده قرار می‌گیرند ولی دومی به افزایش درصداشتغال و نیز تولید کمک می‌کند و بدون مصرف‌کنندگان مستقیم تولید را افزایش می‌دهد، موافق نیست، بلکه جذب ارزش اضافی تولید را در درون خود نظام سرمایه‌داری

\* Luxembourg

دیاگرام شماره ۱، تطبیق صدور کالا و سرمایه در کشور فرانسه



منبع : تاریخ عصر جدید، ص ۱۰۶

ورسیدن به بازتولید، به عنوان ابدی دانستن نظام سرمایه‌داری تلقی می‌کند. اکنون تجربه نشان می‌دهد که طرز تلقی او از بازتولید و مصرف آن صحت نداشت، زیرا ما فهمیم مورد استفاده تولید و مصرف در علم اقتصادی را خوب درک نکرده بود. برای مثال، هرگاه تولیدکالاهای مصرفی افزایش یابد (که برای به دست آوردن سود

بیشتر افزایش هم می‌یابد)، بحران اجتماعی روی می‌دهد و سپس بحران از طریق با لایبردن تولید و سایر تولید که مورد مصرف کارگاهها و صاحبان سرمایه در خود جوامع سرمایه‌داری است، تعدیل می‌یابد. تغییرا مپریالیستی مناسبات سرمایه‌داری به معنی جهت گیری سرمایه‌گذاری در مناسبات خود با کشورهای مستعمره و وابسته است، به عبارت دیگر، تولید سرمایه‌داری توسط امپریالیسم با آهنگ روز افزونی در مستعمرات گسترش می‌یابد و آنها را به سوی مناسباتی نوین در جهان معاصر سوق می‌دهد. اگر قبل از صدور سرمایه مستعمرات تنها صحنه مبادلات کالایی بودند، اکنون شکل بهره‌کشی از طریق سرمایه‌داری شده، ایجاد روابط تولیدی نوینی را در مستعمرات طلب می‌کند، یعنی گشوده شدن مرزها بر روی صادرات و واردات نه تنها چپاول مواد خام و معدنی و تسخیر بازار داخلی، بلکه تصرف منبع لایزال نیروی کار را این جوامع را نیز به دنبال دارد. در سالهای جنگ اول جهانی، انگلیس به‌عنوان مختلف  $\frac{1}{3}$  تا  $\frac{1}{4}$  سرمایه‌های خود را در خارج از مرزهای کشور سرمایه‌گذاری کرده بود که بخش مهمی از آن به آنحای مختلف به بخش تولیدی و خدماتی مربوط می‌شد. به روشنی می‌توان دریافت که از این طریق جهان امپریالیستی به کشورهای که وارد روابط سرمایه‌داری شده اند کالای عرضه می‌کند. انحصارات از طریق فروش کالاهای خود به کشورهای مستعمره و وابسته سرمایه‌داری، به قیمتی که بیش از ارزش آنها است و خرید کالاهای تولید شده در این کشورها به بهای ارزان تر از ارزش واقعی آنها، جیب خود را پر می‌کند و بدین ترتیب تولید کالاهای مصرفی و تولیدی برای مصرف و سرمایه‌گذاریها در مستعمرات عملاً "افزایش می‌یابد. سرمایه‌داری امروز به طریق انحصاری می‌تواند ارزش اضافی بیشتر را به خود اختصاص دهد. با افزایش میزان ارزش اضافی نسبی که در روابط اقتصادی میان کشورهای وابسته و صنعتی عملی می‌گردد، سودهای کلانی به این شرکتها اختصاص می‌یابد. بی‌سود نیست که

این شرکت‌ها صدها و هزاران کیلومتر راه را پییموده، وسایل و ابزار آلات به این کشورها سرازیر می‌نمایند و مبالغ کلانی از سرمایه‌های مالی را وارد این کشورها می‌کنند و سود مصرف‌کاهای شرکت‌های انحصاری و غیرا انحصاری به سوی متروپل‌ها و شرکت‌های چندملیتی سرازیر می‌شود.

### تمرکز تولید و سرمایه

رشد عظیم صنایع و ورود ماشین‌های غول‌پیکر و کارخانه‌های بسیار بزرگ به روند تولید، گرایش به تمرکز و فزونی ترا ساخت شرکت‌های بین‌المللی زمام امور تولیدات صنعتی را چه به وسیله سرمایه‌گذارانی کلان خود و چه با تشکیل اتحادیه‌ها و یا با همکاری بانک‌ها و مراکز مالی، به دست گرفتند. اگر سرمایه‌گذارانی خارج از مرزها سودهای هنگفت و بی‌حساب را در برنداشتند، سرمایه‌داری امپریالیستی در همان مراحل گذار، دچار بحران‌های کمر شکن کاهش سود می‌گردید. گرایش به تمرکز تولید و سرمایه، افزایش ثروت اجتماعی و رقابت‌ها بر سر تصاحب سود کاهش یافته، هر قدر فزونی ترا گردید به همان اندازه انباشت ارزش اضافی در کشورهای سرمایه‌داری باعث افزایش میزان سرمایه‌ها و تمرکز تولید، اختراع، ایجاد صنایع بزرگ و بالاخره موجب کاهش نرخ سود می‌شود. تمرکز تولید برای رهایی از چنبری کاهش عملی شد، زیرا از این طریق عده معدودی از صاحبان انحصارات مالی و صنعتی و همچنین نظامی‌گزان امپریالیستی زمام امور اقتصادی و سیاسی جامعه را به دست می‌گرفتند و تحمیل نرخ قیمت‌ها و سود سرمایه‌ها به آسانی ممکن می‌گردید.

رشد عظیم صنایع و فرایند فوق‌العاده سریع تمرکز تولید در بنگاه‌های بزرگی که دائماً "در حال توسعه اندیکی از مشخص‌ترین خصوصیات سرمایه‌داری است. این پروسه از طریق انباشت سریع

سرما یه و انقلاب تکنیکی که همزمان با آن جریان داشت عملی شد و این تمرکز در دو بعد به شرح زیر انجام گرفت :

نخست و ا حدهای تولیدی متمرکز گردیدند و با اختراع دستگاههای پیچیده مکانیکی و تقسیم کار تولیدی عملی گشت . به جای کوره های آهنگری ، کوره های بزرگ و مدرن ذوب فلز ، کارخانه کمک سازی ، فولاد سازی به جای کارگاهها بزار سازی ، کارخانه مدرن ماشین افزار ساخته شد .

پس در سطح شرکتها و کمپانیها هم تمرکز به وجود آمد ، در این حالت ، تمرکز سرما یه شدیدتر از مورد نخست بود و سرما یه های هنگفت و مجزا برای تشکیل شرکتهای بزرگ سهامی به هم پیوستند .

از اشکال مهم سرمایهداری در مرحله نهایی توسعه آن ، دسته بندی های تولیدی است ، یعنی تشکیل گروهی به صورت شرکت های بزرگ جهت انجام فعالیت در شاخه های مختلف صنعت که در جریان کار یک ردیف از سطوح تولیدی را به عهده میگیرند ( مانند تبدیلی و گداختن آهن و تبدیل آن به آهن لخته و سپس تبدیل آن به فولاد ، و پس از آن ایجاد کارگاههای فولاد سازی ) و یا در یک رشته معین با هم فعالیت می نمایند ( مثل استفاده از تراش ، یا کالاهای فرعی ، یا کارگاه دسته بندی مواد و غیره ) .

هیلفردینگ\* نیز اهمیت دسته بندی های سرمایهداری را در موارد زیر خا طرنشان ساخته است .

برای رهایی از نوسانهای تجاری ، تضمین میزان بالای سود ، تأثیر در حد و دمرزهای تجارت ، وجهت در اختیار گرفتن فعالیت سایر کارخانه ها ، عمل نوین دسته بندیها در نظام سرمایهداری ایجاد می شود که در رابطه با سایر شرکتها موقعیت بالاتری را می توانند به دست آورند . این شرکتها در رقابت با سایرین ، در دوران بحران

\* Hilferding

سرمايه‌داری اطمینان بیشتری را کسب خواهند نمود.<sup>۴</sup>

در این مرحله از انحصار سرمايه و پرورش فرآیند تولید ، سرمايه‌داری ابتدا رقابت آزاد را مورد تهدید قرار داد ، سپس اشکال مختلف آن ، حتی نوع تولید رزان کالا را به وسیله تجاری‌بزرگ و برای ربودن سهم بیشتری که در بازار وجود داشته از بین برد . در دوره امپریالیسم بالاترین مرحله سرمايه‌داری ، رقابت آزاد ، به عنوان عاملی که موجب تمرکز تولید شده و تمرکز در مرحله معینی از تکامل را باعث می‌شود و بلاغزه به انحصار می‌انجامد ، مورد بررسی قرار می‌گیرد.<sup>۵</sup>

انحصارگران ، آشکارا و نهانی علیه سرمايه‌داری کوشه نمی‌خواهند تسلیم اراده آنان بشوند مبارزه می‌کنند و برای درهم کوبیدن آنان به هر وسیله ممکن متوسل می‌شوند . کاهش قیمت‌ها به طور ناگهانی و در عین حال موقتی در بازارها ، از جمله نخستین علائم این مبارزه است . رقابت در صنایعی که تحت سیطره انحصارات است ، نیز ادامه پیدا می‌کند ، یعنی در داخل خود دسته‌بندیها ، رقابت برای ریاست ، رسیدن به امتیازات بیشتر و اعمال نفوذ در مورد دیگران ، ادامه می‌یابد . به عنوان مثال ، در کشور آمریکا ، در آغاز سده بیستم مبارزه میان شرکت‌های جنرال موتور و فورد در صنایع اتومبیل‌سازی ظاهراً روشنی داشت . این مبارزه بر سر تصرف بازارهای فروش تولید بین اتحادیه‌های انحصاری نه تنها متوقف نمی‌شود بلکه شدت نیز می‌گیرد . مبارزاتی که اگر به منازعه تبدیل گردد گاهی به کودتا علیه یکدیگر و یا به ترور افراد مشخصی بین آنان منجر می‌شود .

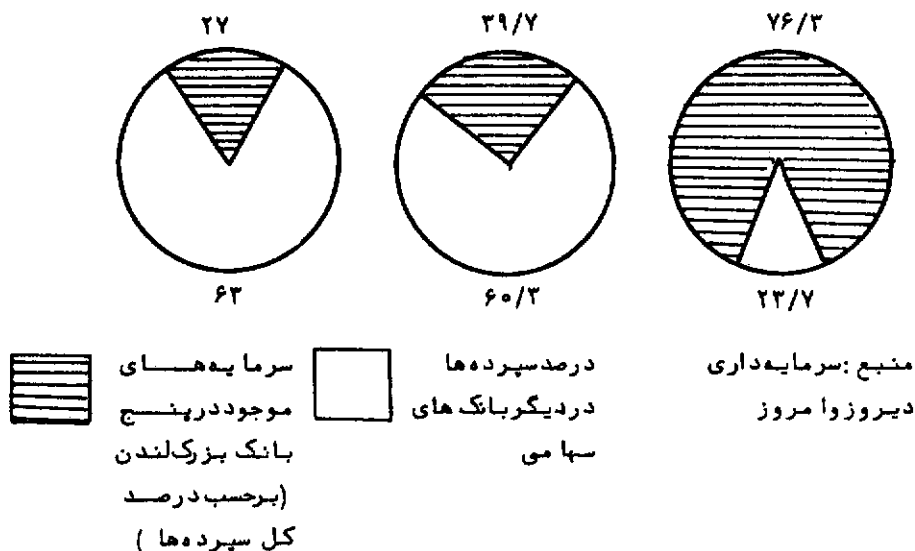
### تمرکز سرمايه‌های بانکی

جریان تمرکز در بانکداری نیز مانند صنایع صورت می‌گرفت ، با نکه پیوسته با هم رقابت داشتند و غالباً "بزرگترین با نکه پیروز می‌شدند ، فقط با نکه‌های بزرگ بودند که می‌توانستند تیا زهای اعتباری



اتحادیه‌های بزرگ انحصاری را تأمین کنند، در نتیجه تعداد بانکها کاهش مویافت و این برحجم آنها افزوده می‌شود. نمودار شماره ۲ نشان موده که در بریتانیا مانند دیگر کشورها، تعداد انگشت شماری از بانک‌های بزرگ تدریجا "بیشترین بخش سپرده‌ها را در دست خود متمرکز کردند. تعداد زیادی از بانکهای کوچک و صندوق‌های پس انداز از سلطه بانک‌های بزرگ بیرون آمدند. در آغاز سده بیستم پنج بانک بزرگ در بریتانیا، شش بانک در آلمان، پنج بانک در فرانسه و دو بانک متعلق به مورگان و راکفلر در آمریکا قدرت قابل توجهی داشتند.

نمودار شماره ۲- تمرکز سرمایه در بانکهای انگلیس



صدور سرمایه به خارج در زمانیکه سرمایه‌ها اعتبارات بانکی با

صنایع گره‌خورد و با گردآیی از چنگ رقابت‌های آزاد و بی‌سازمان‌رهایی یافت، زمینه‌ها را برای اتحاد شرکتها و مؤسسات بزرگ سرمايه‌داري و پدید آمدن اتحادیه‌ها و تراست‌های سرمايه‌داري مساعد ساخت. در این اتحاد "مقدس" نه تنها شرکت‌های داخلی بلکه ماورای ملی سایر کشورهای نیز به همدستی هر چند کوتاه مدت، نیازمند شدند. آنها این پیوند و همکاری را برای رفع مشکل مستعمرات و بازارهای خارجی و نیز برای شکست نهضت‌های ملی و رفع بحران‌های جهان سرمايه‌داري ضروری موییدند. نمونه اتحاد عمل دول سرمايه‌داري انعقاد پیمان معروف آنگلو-فرانسه\* برای سرکوبی مشترک جنبش‌های آسیا و آفریقا و همچنین توافق دو کشور در حال جنگ پروس و ورسای (فرانسه) پس از روی دادن انقلاب کارگری پاریس بود که هر یک برای حفظ و مواظبت مشترک از سرمايه‌داري به وجود می‌آیند.

پایان سده نوزدهم به طور کلی با انباشت سرمايه و پدید آمدن مرحله نوین امپریالیستی کشورهای سرمايه‌داري همراه بود. در بریتانیا در این سالها بر شدت تمرکز سرمايه‌ها افزوده شد، اتحادیه‌های انحصاری تشکیل یافتند، و سرمايه‌داري به مرحله امپریالیسم رسید. ذوب آهن و کشتی‌سازی و استخراج مواد خام در مستعمرات از نخستین صنایعی بودند که به دست انحصارات افتاد، در فرانسه نیز با وضعیت مشابهی نخستین انحصارات و صنایع سنگین پدید آمدند. کارخانه شنايدر کرو زوا زبزرگترین تأسیسات صنعتی واداری کارگاههای ذوب آهن و فولاد سازی و اسلحه سازی بود. جدول شماره ۱ تمرکز سرمايه‌ها را در انگلیس در سالهای ۴۷-۱۹۴۶ نشان می‌دهد. بر اساس آمار مندرج در جدول مذکور بیش از نصف سرمايه‌ها در دست یک درصد جمعیت که سن آنها بیش از ۲۵ سال بود و در حدود ۸۰٪ سرمايه‌ها در دست ۵ تا ۶ درصد جمعیت تمرکز یافته بود. لازم به توضیح است که این

\* Anglo-france

ویژگی با کمی تفاوت بر اقتصاد همه کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری حاکم بود.

جدول شماره ۱- مقدار سرمایه و تعداد افراد در گروه‌بندی مختلف ثروت و دارایی در سال ۱۹۴۶-۷ برای انگلیس و ولز

مقدار سرمایه	درصد افراد	در صدکل سرمایه که به وسیله هر گروه تصاحب شده
۱۰۰ پوند و کمتر	۶۰/۶۲	۴/۱۶
۱۰۰-۱۰۰۰ پوند	۲۷/۷۹	۱۰/۹۹
۱۰۰۰ - ۵۰۰۰	۸/۸۷	۲۱/۵۹
۵۰۰۰-۱۰۰۰۰	۱/۳۸	۱۱/۵۹
۱۰۰۰۰-۲۵۰۰۰	۰/۹	۱۶/۴۳
۲۵۰۰۰-۱۰۰۰۰۰	۰/۳۸	۱۹/۸
۱۰۰۰۰۰ و بیشتر	۰/۰۶	۱۶/۳
جمع	۱۰۰	۱۰۰

منبع : بولتن دانشگاه آکسفورد، شماره دسامبر ۱۹۵۰، ص ۳۵۳ به نقل از سرمایه‌داری دیروز و امروز، ص ۱۳.

بدین ترتیب تمرکز تولید مناسبت‌ترین راه برای تشکیل انحصارات غول‌آسا شد، توافق و سازش میان بنگاه‌های بسیار عظیم آسان گردید و راه برای ظهور امپریالیسم اقتصادی هموار گشت.<sup>۶</sup>

## انحصارات مالی و صنعتی

توافق سرمایه‌داران بزرگ شکل‌های گوناگون داشت ، نخستین گام در راه ایجاد اتحادیه‌ها ، موافقت میان بنگاه‌های بزرگ سرمایه‌داری برای تعیین قیمت‌ها بود ، پس از آن برسر مقدار کالایی که هر عضو اتحادیه مزبور طبق قرارداد باید تولید می‌کرد و اهمیت فوق‌العاده‌ای در بنا لانگ‌ها شدن قیمت فروش کالاهای داشت ، توافق کردند سرمایه‌داران متحد بر سر بازاری نیز با هم به وحدت رسیدند . اینگونه اتحادیه‌ها کارتل نام گرفتند . نوع بعدی اتحادیه‌سندیکا است که اعضای آن بر سر تعیین قیمت‌ها و مقدار کالایی که هر عضو باید تولید کند و همچنین بر سر توزیع و تقسیم بازار با یکدیگر به توافق رسیدند ، سپس دستگاره واحدی برای فروش مشترک کالاهای خریدمواد خام تأسیس گردید . هنگامی که بنگاه‌های سرمایه‌داری با یکدیگر ادغام شدند و استقلال خود را از دست دادند ، تراست‌ها به وجود آمدند . اولین قدم در به وجود آمدن تراست‌ها در آلمان و سپس در آمریکا برداشته شد .

انحصارات ، فرماندهی اقتصاد کشورهای سرمایه‌داری را در دست دارند . آنها بر صنایع سنگین و بر بسیاری از شاخه‌های دیگر از جمله راه‌آهن ، کشتیرانی و شبکه‌های حمل و نقل داخلی و خارجی بر بنا نکه‌ها و موربیمه و کشتا ورزی مسلط می‌باشند .<sup>۷</sup>

کارتل‌ها ، سندیکاها و تراست‌ها برای به دست آوردن حداکثر سود ، همیشه کوشیده‌اند تا از رقابت خودداری کرده و سرسختانه علیه بنگاه‌هایی که به اتحادیه‌ها نپیوسته‌اند ، بجنگند و انحصار در دسته معین مربوط به خودشان را به دست آورند . انحصار سرمایه‌داری ، یک بنگاه سرمایه‌داری یا اتحادیه‌ای از بنگاه‌های سرمایه‌داریست که تولید یا فروش بخش عمده انواع خاصی از کالاهای را در اختیار دارد ، و

در خارج از مرزها یا آنسوی دریاها به وسیله تکنولوژی و چه توسط تخصص‌های دیگر تولیدی و خدماتی دارای سرمایه‌گذاری مستقیم است.<sup>۸</sup>

برای تصویرزنده‌شدن شرکت‌های ما و رای ملی و یافتن حقیقت تعاریف علمی، لازم است به ارقام مقایسه‌ای تولید شرکت‌های چند ملیتی و تولید کشورهای بزرگ امریکای لاتین توجه کنیم (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲ - مقایسه تولید شرکت‌های چند ملیتی و کشورهای بزرگ امریکای لاتین

کشورهای امریکای لاتین	تولید ناخالص ملی (به دلار امریکا)	شرکت‌های چند ملیتی	فروش ناخالص (به دلار امریکا)
آرژانتین	۱۹۳۰۰	جنرال موتور	۲۴۰۰۰۰
ونزوئلا	۱۰۲۰۰	استاندارد اوایل	۱۵۰۰۰
کلمبیا	۲۶۰۰	جنرال الکتریک	۷۰۰۰
پرو	۴۹۰۰	یونیلور	۶۰۰۰
شیلی	۴۵۰۰	آی.تی.تی	۵۴۰۰
اوروگوئه	۱۴۰۰	آی.سی.آی	۳۳۰۰
اکوادور	۱۳۰۰	هیتاچی	۲۸۵۰
بلیوی و پاراگوئه	۱۲۰۰	مونتاگینی	۲۴۰۰

منبع آماری: بانک جهانی، ۱۹۶۸، مجله "فورتن" ۱۹۷۰ به نقل از:

Imperialism in the modern phase, P. 90

اما میتوان گفت که در این معالک فعالیت‌های اقتصادی با کنترل سیاسی انجام می‌گیرد. برای روشن تر شدن مطلب به یک رخداد مهم اشاره می‌کنیم:

در کارخانه فورد شاخه انگلیس، اعتصاب بزرگسی روی داد، سرپرست روابط خارجی این شرکت برای بازديد از شرکت که مور آن مختل شده بود به این کشور سفر کرد، بلافاصله نخست‌وزیر روی را برای میهمانی دعوت نمود تا درباره هماهنگی سیاست‌های دوطرف با هم مذاکره نمایند. در پایان نماینده سیاسی شرکت فورد متذکر شد: بخشی از تأسیسات ما شین که قرار بود اینجا مستقر شوند به‌المسبان منتقل می‌گردد. آنچه جالب است تأثیر چشمگیر اقدامات این شرکت‌ها بر اقتصاد ملل میزبان و ایجاد دگرگونی در سیاست‌های اقتصادی و مالی آنها از قبیل اشتغال، تولید ناخالص ملی و سرمایه‌های بانکی است.<sup>۹</sup>

کائوتسکی\* پیدایش انحصارات راناشی از محدود شدن قلمرو رقابت کالوسرمایه‌مندان که با روی آوردن همه‌کشورهای جهان به سیستم سرمایه‌داری به وجود آمده است. وی متذکر می‌شود که سابقاً برای رقابت برای به دست آوردن سود میان سرمایه‌داران ایجاد شده در اقصی نقاط عالم عملی می‌شد ولی با گرایش آنها به مناسبات سرمایه‌داری، دیگری زاری برای تصرف و در نتیجه رقابت باقی نمی‌ماند. به همین جهت سرمایه‌داران دچار مشکلات عدیده‌ای می‌شوند که برای حل آنها به رقابت بلکه بایده‌ها تا دو یگانگی دست بزنند و موسسات تجاری، کارتل و تراست ایجاد نمایند و با سیاست تحمیلی قیمت انحصاری، سود ویژه‌ای را به دست آورند.

کائوتسکی و بسیاری دیگر از نظریه‌پردازان، علی‌رغم نظریات مغشوش خویش در قبالی شناخت از امپریالیسم، به روشن تر شدن

\* Kautsky

ماهیت تشکیل انحصارات سرمایه‌داری کمک فراوان نمودند.

درواقع قانون اساسی اقتصاد سرمایه‌داری یعنی قانون ارزش، در مرحله امپریالیسم تکامل مویا بد و مشخص تر می‌شود. اگر در سرمایه‌داری ما قبل انحصاری، سلطه رقابت آزاد به تعادل نرخ سود سرمایه‌داران منفرد منجر می‌گردید، در شرایط امپریالیسم، انحصارات برای خود سود حداکثر را تضمین می‌کند و درست همین سود حداکثر، موتور محرک و انگیزه سرمایه‌داری انحصاری است<sup>۱۰</sup> انحصارات همچنین کالاهای خام و معدنی کشورهای وابسته را غارت می‌نماید و مانع از هرگونه سودآوری سیستمهای تولیدی کشورهای در حال توسعه می‌گردد. البته تقسیم بازارهای داخلی و خارجی نیز میان اتحادیه‌های سرمایه‌داری با رضایت تمام آنها پایان نمی‌آید.

سیطره انحصارات، در خصلت، شکل و اسلوب‌های رقابتی، دیگرگونی‌های اساسی به وجود می‌آورد. رقابت‌ها بغرنج می‌شود و شدت و دامنه فوق العاده زیاد آنها، ویژگی ویرانگری به خود می‌گیرد. رقابت در عصر امپریالیسم، گسترده، جهان‌گیر و آتش‌جنگ‌ها همراه است. در عین حال به وجود آورنده شکل‌های جدید رقابتی است که بین انحصارات و موسسات غیر انحصاری در می‌گیرد. از جمله اسلوب‌های تازه رقابت انحصارات، تبلیغات و تسلط آنها بر رسانه‌های گروهی برای تبلیغ کالاهای آنهاست. انحصاراتی که سلطه خود را بر مطبوعات و رادیو تلویزیون اعمال می‌کنند از این وسایل خبری برای تبلیغ وسیع و به نفع محصولات خویش و به زیان رقبای خود سود می‌جویند. پروانه‌های اختراعات را به دست آورده و به خود منحصر می‌سازند. انحصارات همچنان از مجرای ادارات و انحصاری کردن قلمروهایی که موسسات رقیب در آن استقرار یافته‌اند، مبارزه خود را ادامه می‌دهند. مبارزه انحصارات مربوط به تولید نوشابه (کوکاکولا و پپسی‌کولا) در کشورهای امریکای لاتین مخصوصاً در برزیل، که برای شکست دادن تولیدکنندگان کالاهای مشابه صورت

موگرفت، حاکی از ناجوانمردانه‌ترین روحیه نفع طلبی است. فرما نروایی انحصارات، منحصر به قلمرو تولید نیست، گسترش انحصارات سرمایه‌داری در سایر قلمروهای فعالیت سرمایه‌داری نیز به چشم می‌خورد. گردآیی تولید در صنعت موجب به وجود آمدن پدیده‌هایی از همان نوع در قلمرو بانکی می‌شود. مؤسسات بزرگ صنعتی، تجاری، حمل و نقل، راه‌آهن و غیره نمی‌توانستند نقدینه‌های خود را به بانک‌های کوچک بسپارند، زیرا سرمایه اجتماعی این بانک‌ها به آنها امکان نمودن سپرده‌های مهم را تضمین نمی‌کرد. برای حل چنین معضلی و همچنین برای تأمین خواست و نیازمندی مؤسسات بزرگ صنعتی و تولیدی و نهایتاً "سرمایه‌داران زمینه‌فعال مایشائی بانکی" بزرگ فراهم آمد.

در انگلستان توسعه بانک‌های بزرگ به ضرر بانک‌های کوچک در یک دوره طولانی جریان یافت. بانک‌های بزرگ بانکی کوچک را جذب نمودند. در سال ۱۸۹۰ در این کشور ۱۰۴ بانک سهامی وجود داشت. اما سال ۱۹۱۰ بیش از ۴۵ بانک از آن تعداد باقی نمانده در سال ۱۹۷۰ این رقم به ۸ بانک تقلیل یافت. در عوض تعداد شعب این بانک‌ها در مستعمرات و خارج افزایش پیدا کرد.<sup>۱۱</sup>

در اواخر قرن نوزدهم و در آستانه جنگ اول جهانی ۹ بانک بزرگ برلین نزدیک به نیمی از سپرده‌های آلمان را در دست داشتند، در عین حال سرمایه بانکی در فرانسه نیز به بالاترین درجه تمرکز رسید. هفتاد درصد از کل سرمایه‌گذاران کشورهای کشور در سه بانک بزرگ پاریس متمرکز شده بود.<sup>۱۲</sup>

بانک‌ها در دوران سرمایه‌داری امپریالیستی از بیشترین اهمیت در سیاست و اقتصاد برخوردارند. آنها با پذیرفتن پول به منظور نگهداری و پرداختن بهره به صاحبان این پولها، سرمایه‌های آزاد مملکت را در یکجا گرد می‌آورند و بر اثر همین اقدامات، مبالغ لازم برای گسترش صنعت و ساختن کارگاهها و کارخانه‌های جدید و راه‌های



آهن را به عهده می‌گیرند و این امر یکی از علل اساسی رشد و توسعه — با نکها در همه کشورهاست .<sup>۱۳</sup>

از تمرکز تولید و سرمایه ، تشکیل انحصارات به وجود آمد و در بسیاری از مناسبات اقتصادی — اجتماعی رسوخ پیدا کرد ، و از بطن همکاریه‌های پولی و تولیدی همین انحصارات ، الیگارشی<sup>۱۴</sup> مالی قدهلم کرد . چیرگی آنها ، دامنه فعالیت‌های پولی آنها را نیز توسعه داد و از این راه ، همه اقتصاد را به قبضه خود در آورده و حکومت اقتصادی را یکسره کردند . در دهه ۸۰ و ۹۰ قرن نوزدهم بخشی از سرمایه‌های فرانسه به مستعمرات این کشور و بخش عمده‌اش به روسیه ، کشورهای بالکان ، ترکیه و اسپانیا صادر می‌شد . عادی‌ترین راه به کار انداختن این سرمایه‌ها قرض دادن پول به حکومتها از طریق بانکی با بهره‌های گزاف بوده یعنی این انحصارات ، بدون داشتن نقش اساسی در تولید ، انگل و ارتزاق می‌کردند ، ولی ایسـن روش سودآوری سرمایه‌پایدار نبود ، با استقلال یافتن و گسستن وابستگیهای کشورهای مستعمره ، این نحوه<sup>۱۵</sup> استثمار روبره زوال گذاشت .

دراواخر قرن نوزدهم پس از تشکیل سرمایه‌های بانکی در فرانسه ، پای آنها به صنایع نیز کشیده شد . روابط محکمی میان بانک‌ها و شرکت‌های بزرگ صنعتی حمل و نقل ایجاد گردید ، در میان رؤسای بانک‌های فرانسه علاوه بر بانکداران ، سلاطین راهبهای ارتباطی از جمله راه آهن و سرمایه‌داران آهن و فولاد و دیگر شاخه‌های صنعتی نیز دیده می‌شدند .<sup>۱۵</sup> تذکر این نکته ضروری است که چنین روندی ، آنگونه که توضیح داده شد ، خط مستقیمی را طی نکرد ، بلکه تأثیر متقابل نیروها و فراگرد پیچیده<sup>۱۶</sup> انباشت سرمایه را همراهی می‌نمود و با فزونی انباشت سرمایه ، تسلط آنها بر مراکز صنعتی بیشتر می‌شد ولی ضمن اینکه سرمایه‌های بانکی به مراکز صنعتی توجه می‌کردند ، بخش نیرومند آن صرف ربا خواری و وامها می‌گردید . در دهه‌های آخـر قرن نوزدهم ، ایلات متحده بیش از دیگر رقبای

خود، توانایی طی مراحل ابتدایی ساختمان سرمایه‌مالی داشته در این کشور هیچ جنگی که از جانب مستعمرات، قدرت‌ش را به‌خطر افکندنیفتاد. سرمایه‌داری روبه‌انحصار، در مقابل عناصر ارتجاعی برده‌دار جنوب و قبایل سرخ پوست، از قدرت فوق‌العاده‌ای برخوردار بود. به این ترتیب چنین جریان سریعی باعث گردید که طی ۲۵ سال ایالات متحده از مقام چهارم تولیدات صنعتی در جهان، به مقام نخست دست یابد.

قرن بیستم نقطه تحولی است که در آن سرمایه‌داری قدیم به سرمایه‌داری نوین و سیادت سرمایه‌کلی به سیادت سرمایه‌مالی تبدیل می‌شود. ۱۶ از دیدگاه ما حین نظران اقتصاد سیاسی امپریالیستی، سرمایه‌مالی سه جنبه بسیار مهم و برجسته دارد:

۱- تمرکز تولید

۲- تشکیل انحصاراتی که در نتیجه رشد این تمرکز به وجود

می‌آیند.

۳- درهم آمیختن بانکها با صنعت (یا سرمایه‌صنعتی) که به‌طور وضوح در ترکیب مدیران انحصارات بانکی و صنعتی مشاهده می‌شود. ۱۷

تحلیل هیلفردینک این بود که سرمایه‌داران صنعتی برای ادامه‌گسترش فعالیت‌های فزاینده خود، نیاز وافر به سرمایه‌های پولی دارند که تأمین آن از حوزه‌های مکانات آنها خارج است و چاره‌ای جز آنکه برای به دست آوردن این سرمایه‌ها سرمایه‌داران مالی و بانک‌ها رجوع کنند، ندارند. به همین جهت زیرکنترل این سرمایه‌ها قرارخواهند گرفت و سرمایه‌های مالی نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در تولید اجتماعی و نظام سرمایه‌داری معاصر برعهده خواهند داشت و به علت انباشت عظیم سرمایه نقش سرمایه‌داری در رابطه با کشورها و سرزمینهای دیگر، از نظام صادرکننده کالا به نظام صادرکننده سرمایه مبدل خواهد شد. ۱۸

سرما یه مالی نه فقط بطور روزا فزونی در صنعت رسوخ می‌کند، بلکه کشا ورزی را نیز زیر سلطه خود در می‌آورد. اشکال این سلطه گوناگون است. در کلیه کشورهای سرما یه داری، تلفیق انحصارات بانکی با زمینداران بزرگ به چشم می‌خورد. در این کشورها مالکیت زمین پیوسته در دست بانکها تمرکز می‌یابد و یکی از مهمترین منابع پرسود برای سرما یه مالی محسوب می‌شود. بانکها از طریق دادن اعتبارات رهنی می‌توانند دهقانان جزء و متوسط را به ورشکستگی سوق داده و زمین های آنان را در دست خود متمرکز سازند.<sup>۱۹</sup>

استثما را نبوه زیادی از دهقانان به وسیله انحصارات، بیش از همه در این امر تجلی می‌کنند که سلطه انحصارات تنها سبب بسیاری از ناهماهنگی بین سطح قیمت فراورده های کشا ورزی و قیمت کالاهای صنعتی (قیچی کردن قیمت ها) به وجود می‌آورد. همچنین انحصارات، قیمت کالاهای را به طور مصنوعی بالا می‌برد.<sup>۲۰</sup>

یکی دیگر از نیرومندترین وسایل برای ورشکسته کردن اقتصاد دهقانان، پرداخت اعتبار به شکل اعتبار قرضه ای رهنی است. انحصارات برای تصاحب زمین و اموال دهقانان، آنان را زیر بار قرض طاقت فرسا قرار می‌دهد. پیش خرید فراورده های اقتصادی دهقانان به وسیله انحصارات به بهای ارزان به هیچ وجه به این معنی نیست که مصرف کنندگان شهری ما یحتاج زندگی را ارزان به دست می‌آورند، بلکه انحصاران و واسطه های بین المللی سعی می‌کنند، تولیدات دهقانان را به قیمت نازل خریداری نموده و به قیمت گران در اختیار مصرف کنندگان شهری قرار دهند و حاصل این مبادله ورشکستگی دهقانان و اجاف در حق شهر نشینان است.

رشد انحصارات و سرما یه های مالی به سلطه گروه کوچکی از سرما یه داران بزرگ بر اقتصاد همه کشورهای امپریالیستی منجر شد، سرما یه گذاران و بازرگانان نیز ذمه قدرت خود را به زندگی سیاسی کشا نندند، فعالیت های پارلمانی و همه بخش های دستگاه دولتی

را هدایت کردند . نمایندگان انحما رات روز بروز مقامهای عمده  
و مهمی را در دستگاه دولتی اشغال کردند و تسلط الیگارشی مالی در  
کشورهای سرمایهداری برقرار شد و امروز نیز به حیات خود ادامه  
میدهد . ۲۱

## یادداشت‌ها

- 1 - Laissez-faire competition
- 2- Export of capital
- ۳- سرمایه‌داری دیروز و امروز، ص ۲۳ و اقتصاد سیاسی امپریالیسم  
ص ۳۴
- 4 - V.I. Selected works, v.1, p.642
- ۵- سرمایه‌داری دیروز و امروز ص ۲۸-۲۷
- 6 - V.I. Selected works, p.413-414
- ۷- زمینه تکامل اجتماعی، ص ۳۲۵
- ۸- اقتصاد سیاسی امپریالیسم، ص ۱۲
- ۹- تاریخ عصر جدید، ص ۴۸
- 10 - Imperialism in Modern phase, p.94
- ۱۱- اقتصاد سیاسی امپریالیسم، ص ۳۰
- ۱۲- در شناخت امپریالیسم معاصر، ص ۲۹
- ۱۳- تاریخ عصر جدید، ص ۴۸
- ۱۴- الیگارشی از ریشه یونانی oligarchia و به معنای قدرت اقلیت  
است.
- ۱۵- پیشین، ص ۲۵۸
- ۱۶- پیشین ص ۱۰۴
- ۱۷- بررسی نظریه‌های مربوط به امپریالیسم، ص ۱۱۸
- ۱۸- اقتصاد سیاسی، ص ۲۵۸
- ۱۹- بررسی نظریه‌های مربوط به امپریالیسم
- ۲۰- اقتصاد سیاسی امپریالیسم ص ۱۹
- ۲۱- تاریخ عصر جدید، ص ۲۶۰

## منابع مورد استفاده

- ۱- آئی . کین ، ۲۰۰۲ . جوانی علم اقتصاد ، ترجمه جلال علوی نیا ، نشر بین الملل ، ۱۳۵۸ .
- ۲- اوریانوف . الکساندر و دیگران ، تاریخ عصر جدید ، ترجمه محمد تقی فرامرزی ، انتشارات شبا هنگ ، ۱۳۵۹ .
- ۳- داب . موریس ، سرمایه‌داری دیروز و امروز ، ترجمه مه‌دی دوستکام ، انتشارات شرکت سهامی کتابهای جیبی ، ۱۳۵۸ .
- ۴- سوداگر . محمد ، بررسی نظریه‌های مربوط به امپریالیسم ، انتشارات امیرکبیر ، ۱۳۵۸ .
- ۵- کوزلوف و دیگران ، درشناخت امپریالیسم معاصر ، جلد اول ، ترجمه ب . کیوان ، انتشارات سپیده دم ، ۱۳۶۰ .
- ۶- ولفانگ . ج ، تشوری‌های مربوط به امپریالیسم ، ترجمه کورش زعیم ، انتشارات امیرکبیر ، چاپ اول ، ۱۳۶۳ .
- ۷- متروپولسکی ، روبرتیسکی و کروف ، زمینه تکامل اجتماعی ، ترجمه پرویز بابایی .
- ۸- نهرو . جواهر ، نگاهی به تاریخ جهان ، ترجمه محمود تفضلی ، انتشارات امیرکبیر جلد اول ، ۱۳۶۱ .

References

- 1- Eneyclopedia Americana, V.14, Americana corporation, 1963.
- 2- L.V.I. Selecred Works, progress publisher V.1, Sixth prine, 1977.
- 3- Rahman. A, RA2, Moonis and son-Mohit, Imperialism in Modern phase, V.2, New Delhi, 1977.
- 4- Wellerstein. Immanuel, The Modern World-System, Academic press, INC., Newyork, 1980.